



# جادوی رادیو در نیجر

ترجمه و تدوین: معصومه جعفری‌به  
کارشناس زبان و ادبیات فرانسه

با عنوان «رادیو در ازای کلاشینکف» شبه‌نظامیان درگیر در جنگ که همچنان سلاح‌های خود را تحویل نداده‌اند، در صورت ارائه داوطلبانه سلاح خود یک دستگاه گیرنده رادیویی قابل حمل دریافت می‌کنند و از برنامه‌های ایستگاه‌های رادیویی محلی در سراسر نیجر به زبان محلی بهره‌مند می‌شوند. البته برای به‌کارگیری رادیو باید از نیروی برق یا باتری استفاده کرد که هر دوی آنها در مناطق روستایی آفریقا به‌ندرت قابل دسترسی هستند.

بانی و مشاور این طرح خانم کریستین پرسون است. در مرحله نخست، توزیع ۱۲۵۰۰ دستگاه گیرنده رادیو در نیجر در ازای تحویل همین تعداد سلاح در دستور

سیال‌ها آتش جنگ داخلی در کشور نیجر شعله‌ور بود؛ جنگی که این کشور آفریقایی را به ویرانه‌ای بزرگ تبدیل کرد و بسیاری از منابع انسانی و مادی آن را از بین برد. اکنون پس از بازگشت آرامش به این کشور، برای ایجاد درک متقابل میان گروه‌های مختلف قومی، در سراسر نیجر ایستگاه‌های رادیویی محلی برپا شده است تا با بیان دیدگاه‌ها و نظرهای گروه‌های مختلف زمینه رسیدن به تفاهم میان آنها را فراهم سازد. کیپ تاون در آفریقای جنوبی مقر مؤسسه‌ای است که با همکاری دفتر سازمان ملل پروژه صلحی را برای منطقه آفریقا تدوین کرده است. در این پروژه، جایگاه و نقش اصلی از آن ایستگاه‌های رادیویی محلی است؛ طرحی



## اشاره

رادیو در کشوری فقیر و جنگ‌زده مانند نیجر که هشتاد درصد جمعیت آن قادر به خواندن و نوشتن نیستند، از محبوب‌ترین رسانه‌های جمعی به‌شمار می‌آید. هر کس قادر است تنها با یک رادیوی ترانزیستوری قابل حمل در جای‌جای این کشور خشک و بیابانی از برنامه‌های آن استفاده و ارتباط خود را با دنیای خارج و رخدادهای آن برقرار و حفظ کند.

موضوع‌هایی چون: بحث‌های سیاسی، بهداشت و سلامت جامعه، مشاوره‌های ازدواج، آشپزی، موسیقی سنتی و جدید، برگزاری مراسم ازدواج، غسل تعمید و... در صدر اولویت‌های شنوندگان رادیو در نیجر قرار دارند. بسیاری از مردم نیجر بر این باورند که رادیو در ارتقای آگاهی و دانش آنها درباره مفهوم «دموکراسی» نقشی مؤثر ایفا کرده و در این کشور فقیر و جنگ‌زده منشأ تغییرات و تحولاتی بسیار شده است؛ به‌گونه‌ای که گروهی از «جادوی رادیو» سخن به میان می‌آورند و آن را وسیله‌ای می‌دانند که به هیچ روی «نه» می‌توان و «نه» باید از جایگاه و نقش آن چشم‌پوشی و از کنار آن به‌سادگی گذر کرد.

پرسش‌های شنوندگان پاسخ گوید. یا در بخشی دیگر از برنامه‌های این ایستگاه‌های رادیویی مسئولان بخش کشاورزی در استودیو حضور می‌یابند تا پیش از آغاز فصل بارندگی به کشاورزان توصیه‌های لازم را ارائه دهند؛ از جمله آماده کردن زمین‌های زیرکشت، اینکه از کاشت چه بذرهایی باید خودداری کنند، یا نحوه صحیح کاشت درختان و رعایت فاصله لازم میان آنها.

سه سال پیش در گودل (Goudel) در نزدیکی پایتخت، اولین ایستگاه رادیویی محلی تأسیس شد. البته همچنان کمبودهایی درباره ارائه برنامه‌های آموزشی، اخبار و سرویس هواشناسی به زبان محلی به چشم می‌آید. نوهو سومانا

فائق آمدن به پیامدهای جنگ داخلی خونین چندساله در کشور است. برای رسیدن به این هدف، پرسون با بهره‌گیری از کمک‌های سازمان ملل و جلب موافقت دولت نیجر مدت‌زمانی است که به استقرار ایستگاه‌های رادیویی محلی در اقصی نقاط کشور نیجر اقدام کرده است؛ ایستگاه‌هایی که به ارائه برنامه‌هایی مؤثر و درخور نیازهای زندگی روزانه مردم می‌پردازد.

برنامه‌های سرگرم‌کننده در این میان سهم کمتری دارند. به‌عنوان نمونه، در برنامه پزشکی که در رأس ساعت ۱۶ پخش می‌شود، با پزشک متخصص درباره سلامت مادر و کودک گفت‌وگو می‌شود و از مقامی مسئول در حوزه بهداشت دعوت می‌شود تا در برنامه حضور یابد و به

کار است. برای تعمیر رادیوها نیز قطعات یدکی به منطقه فرستاده می‌شوند.

زنان جوان در این طرح برای مونتاژ و تعمیر گیرنده‌های رادیو در نظر گرفته شده‌اند و آموزش‌های لازم را فرا می‌گیرند. سرزمین نیجر به سه بخش تقسیم می‌شود: صحرا در شمال آن، نوار ساحلی در قسمت میانی و در جنوب آن، رود پرخروش نیجر. شهر نیامی (Niamey) پایتخت نیجر در این بخش قرار گرفته است که اولین محل ورود اتباع خارجی به کشور است.

پرسون از بانیان طرح برای اولین بار شانزده سال پیش به منطقه آفریقا سفر کرد و مسحور زیبایی‌های طبیعی و مردم آنجا شد. هدف او که سمت مشاور طرح را دارد، کمک به مردم نیجر برای

(Nouhou Soumana) از سوی اهالی گودل (Goudel) به‌عنوان سردبیر و مدیر ایستگاه محلی گودل انتخاب شده است. حسن شهرت و اعتماد مردم به او در انتخابش به این سمت نقش اساسی داشته‌اند. نوهو سومانا می‌گوید: «رادیو برای ما بهترین وسیله برای اطلاع‌رسانی و جلب توجه مردم در راستای توسعه و تحول بیشتر جامعه است. در گذشته امکان دسترسی به تمامی مردم میسر نبود، اما امروزه در تمامی خانه‌ها در منطقه نیامی لاقل یک رادیو وجود دارد. برای روشن شدن بیشتر موضوع به ارائه یک مثال می‌پردازم: پس از دسترسی تمامی مردم به رادیو و اطلاع‌رسانی از طریق آن، به‌هنگام برگزاری بزرگ‌ترین جشن سالیانه در میان صحرائشینان تمامی آنها برای اولین بار حضور یافتند؛ زیرا از قبل اخبار مربوط به آن را از طریق رادیو دریافت کرده بودند. تمامی کارکنان این ایستگاه‌های رادیویی محلی اعم از کارکنان بخش‌های فنی و همچنین بخش تحریریه، آموزش‌های لازم را فرا می‌گیرند. اخبار و گزارش‌ها به نُه زبان محلی رایج در کشور نیجر پخش می‌شود.

سی ایستگاه رادیویی محلی در حال حاضر کار خود را آغاز کرده‌اند و قرار است ۱۲۰ ایستگاه رادیویی نیز به این تعداد افزوده شود. مردم هر منطقه در راه‌اندازی ایستگاه‌های رادیویی نقشی بسیار فعال ایفا می‌کنند. انتخاب کارکنان شاغل در این ایستگاه‌های رادیویی اعم از بخش‌های فنی و تحریریه به‌صورت آزاد و دموکراتیک از سوی اهالی هر منطقه انجام می‌شود. تولید و طرح‌ریزی برنامه‌ها در تطابق با نیازهای هر منطقه انجام می‌شود. دولت به هیچ‌وجه قصد تأثیرگذاری بر برنامه‌های رادیوهای محلی را ندارد و این ایستگاه‌های رادیویی به‌صورت آزاد و مستقل کار می‌کنند. مردم هر منطقه خود در تهیه برنامه‌ها نقش اساسی دارند و با ارائه طرح و نظرهای خود در تولید برنامه‌ها تأثیرگذارند. هر یک از برنامه‌های

این ایستگاه‌های رادیویی در وهله نخست بیانگر و منعکس‌کننده نیازهای مردم هر منطقه هستند.

برخوردراری از رسانه‌های آزاد در کشوری جنگ‌زده مانند نیجر پدیده‌ای نو در قاره آفریقا به‌شمار می‌آید؛ هر چند که هنوز در ابتدای راه است. بر طبق برنامه باید ۵۰ درصد مشاغل در هر یک از ایستگاه‌های رادیویی به زنان اختصاص یابد و این امر تاکنون در تمامی ایستگاه‌های رادیویی محلی تحقق یافته است و البته این برای کشوری فقیر و جنگ‌زده امری فوق‌العاده استثنایی است و به این ترتیب این مردم هستند که خود نقش اساسی را در تحول و توسعه کشور در دست می‌گیرند و حضور زنان در این راستا نشانگر روند دموکراتیزه‌شدن جامعه است؛ امری که پیش از این توجهی به آن نشده بود، اکنون شروعی امیدوارکننده دارد. از جمله مسائلی که مردم گودل با آن درگیرند شیوع مالاریا در منطقه است. در یک برنامه رادیویی محلی با حضور زنان در این خصوص راه‌کارهایی ارائه می‌شود. خانم هاوا (Haoua) از شرکت‌کنندگان در برنامه در خصوص مبارزه با مالاریا می‌گوید: «آنچه مهم است انجام کاری گروهی در مبارزه با مالاریاست. برای مثال تا پیش از آغاز فصل بارندگی باید تمامی نقاطی را که آب باران در آنجا جمع می‌شود با شن و سایر مواد پر کنیم تا محلی را برای تخم‌ریزی پشه‌ها باقی نگذاریم و اینگونه امکان ازدیاد پشه‌ها را از بین ببریم، یعنی با آفت از ریشه آن برخورد کنیم. پس از ظهور بیماری در منطقه برای مبارزه با آن دیگر دیر است.»

این پیام بخشی از یک برنامه رادیویی محلی برای مبارزه با آفت مالاریا و با حضور تعدادی از زنان منطقه بود.

پرسون بسته‌های حاوی قطعات یدکی رادیو را برای ایستگاه رادیویی مستقر در گودل از طرف مؤسسه تحویل می‌دهد. نیمی از زنان شاغل در این ایستگاه تا چندی پیش در زندان به‌سر می‌بردند، اما

اکنون این زنان پس از آزادی از زندان و دریافت آموزش‌های لازم به‌عنوان تکنیسین در ایستگاه‌های رادیویی کار می‌کنند. داشتن شغل به این زنان کمک می‌کند تا شأن و منزلت اجتماعی خود را دوباره باز یابند. یکی از زنان شاغل در این ایستگاه‌های محلی رادیویی احساسات خود را اینگونه بیان می‌کند: «از داشتن این شغل به خود می‌بالم. در گذشته در خانه کاری برای انجام دادن نداشتم، اما با شروع کار در رادیو حالا در جای جای منطقه مردم مرا می‌شناسند و در میان خانواده خود از احترام بیشتری برخوردارم. حالا به هیچ‌کس وابستگی مالی ندارم و خود دارای درآمد هستم.» قرار است بر طبق برنامه در آینده زنان بیشتری تحت آموزش قرار گیرند.

خانم هاوا یکی دیگر از زنان شاغل در رادیوست و اینک خبر ازدواج او از رادیوی محلی پخش می‌شود و از افراد برای حضور در مراسم جشن دعوت به عمل می‌آید. وی تکنیسین رادیو محلی در گودل است. او داشتن این شغل را در احراز موقعیت اجتماعی برای خود بسیار مؤثر می‌داند و اینکه احراز از این موقعیت او را در یافتن همسر مناسب یاری رسانده است. البته دور از انتظار نیست که ازدواج در جامعه مردسالاری چون هاسا (Haussa) آزادی تازه به‌دست‌آمده توسط زنانی چون هاوا را مورد تهدید قرار دهد، زیرا با وجود پیشرفت حاصل‌شده در وضعیت زنان، زن نمی‌تواند بدون اجازه همسر خود از خانه بیرون برود یا با افراد بیگانه به صحبت و گفت‌وگو بنشیند. ادامه کار زنانی چون هاوا پس از ازدواج منوط به اجازه همسر است. پرسون ضمن بازدید خود از ایستگاه‌های رادیویی به سمت شمال کشور سفر خود را ادامه می‌دهد.

منطقه توآرگ (Tuareg) که به داشتن سوارکاران جنگ‌جو شهرت دارد، هدف بعدی سفر خانم پرسون است. حتی در این منطقه نشانه‌های آغازین پیشرفت قابل مشاهده‌اند و کم و بیش حضور رادیو

را در میان مردم می‌توان مشاهده کرد. روال زندگی چون صدها سال پیش است و تلاش و کوشش روزانه برای ادامه حیات چشمگیر است؛ در سرزمینی که در آن متوسط طول عمر ۴۲ سال است و کشوری که در ردیف دومین کشور فقیر دنیا قرار گرفته است.

نیجر کشوری است که ۶۳٪ از جمعیت آن در زیر خط فقر به‌سر می‌برند و از هر هفت نفر تنها یک نفر سواد خواندن و نوشتن دارد. پرسون برای انجام مأموریت‌های خود وارد شهر آگادس (Agades) می‌شود و برای کسب موافقت سلطان ابراهیم عمر (El Ibrahim Oumarou) راهی کاخ سلطان می‌شود، زیرا انجام هیچ کاری بدون کسب موافقت او امکان‌پذیر نیست.

البته سلطان خود واقف بر تغییر اوضاع است و آن را اینگونه تعبیر می‌کند: «زمان پایان دشمنی و جنگ میان چادرنشینان فرا رسیده است.» او دسترسی به اطلاعات را از ضروری‌ترین نیازها در عصر حاضر می‌داند و دسترسی‌نداشتن به اخبار و اطلاعات را سبب جدایی و دورافتادگی از سایر جوامع بشری می‌داند.

سلطان، آینده قلمرو تحت فرمانروایی خود را در گرو شکوفایی گردشگری

**کیپ تاون در آفریقای جنوبی مقر مؤسسه‌ای است که با همکاری دفتر سازمان ملل پروژه صلحی را برای منطقه آفریقا تدوین کرده است. در این پروژه، جایگاه و نقش اصلی از آن ایستگاه‌های رادیویی محلی است؛ طرحی با عنوان «رادیو در ازای کلاشینکف».**

**شبه‌نظامیان درگیر در جنگ که همچنان سلاح‌های خود را تحویل نداده‌اند، در صورت ارائه داوطلبانه سلاح خود یک دستگاه گیرنده رادیویی قابل حمل دریافت می‌کنند و از برنامه‌های ایستگاه‌های رادیویی محلی در سراسر نیجر به زبان محلی بهره‌مند می‌شوند.**

می‌داند که لازمه آن ثبات و صلح پایدار است. برای دستیابی به این مهم، سلطان اجازه اجرای طرح را به خانم پرسون می‌دهد و حمایت خود را از آن اعلام می‌کند؛ طرحی که از سوی دفتر سازمان ملل ارائه شده و هدف آن جمع‌آوری سلاح‌های بی‌شمار باقی‌مانده در دست مردم و خاتمه شورش‌های جامانده از گذشته در سطح منطقه است.

البته قسمت مهم طرح برقراری ایستگاه‌های رادیویی محلی در سراسر کشور و توزیع رادیو در میان مردم است. سلطان عمر در این خصوص می‌گوید: قطعاً نظر به پخش اخبار و اطلاعات به زبان محلی هر یک از قبایل چادرنشین منطقه است و به این ترتیب امکان آموزش بیشتر مردم و به‌ویژه جوانان فراهم می‌شود که گسترش افق فکری افراد جامعه را در پی خواهد داشت. علاوه بر این، رادیو سهم خود را در حفظ و برقراری صلح و آرامش و ایجاد جو امیدواری در جامعه جنگ‌زده نیجر ادا می‌کند.

البته برای رسیدن به اهداف طرح باید از هر گونه شتابزدگی پرهیز کرد. خانم پرسون مجری طرح می‌گوید: «بازگرداندن تعداد بی‌شمار سلاح‌های در دست مردم





در سرزمینی که در آن خستگی از جنگ به وضوح به چشم می‌خورد و تمامی قدرت مالی خود را از دست داده است و در وضعیت بحرانی به سر می‌برد، دیگر جنگیدن چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ پس در مرحله نخست باید مردم را نسبت به مزایای برقراری ایستگاه‌های رادیویی در جای‌جای کشور و دریافت رادیو برای استفاده از برنامه‌های آن متقاعد کرد.

آن هم به میزان صددرصد البته تا حدودی شک‌برانگیز است، اما اعتقاد دارم که در منطقه‌ای که در آن صلح و آرامش پایدار برقرار است، سلاح ارزش چندانی نخواهد داشت. همچنین نباید امکان ساکن شدن و یکجانشینی قبایل چادرنشین صحرا را از نظر دور داشت. این بدان معناست که آنها برای ادامه حیات باید قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود را افزایش دهند. رادیو می‌تواند در این خصوص بسیار مؤثر عمل کند.»

برگزاری بزرگ‌ترین فستیوال قبایل چادرنشین نیجر که سالیانه برگزار می‌شود، فرصتی مغتنم برای مجریان طرح کریستین پرسون و کلنل مای (Mai) است تا نظر بسیاری از سران این قبایل را برای تحویل سلاح‌های موجود در میان افراد خود جلب کنند. از آن میان، قبیله وودابه (Woodabe) سلاح‌های بی‌شماری را در دست دارد که بدون شک آنها را مورد استفاده قرار می‌دهد. کلنل مای از سوی دولت نیجر مأموریت دارد تا مرحله به مرحله نسبت به خلع سلاح مردم اقدام کند. اما پرسش این است: چه تعدادی از افراد جنگجوی قبایل، حاضر به تحویل سلاح خود و دریافت یک دستگاه گیرنده رادیو در ازای آن هستند؟

در مرحله اول در صورت تحقق نیافتن این برنامه و خودداری قبایل از تحویل داوطلبانه سلاح‌ها، دولت دست به مصادره سلاح‌های موجود می‌زند، اما در ابتدا این جنگجویان قبایل متخاصم در نیجر هستند که می‌توانند خود دست به انتخاب زنند و داوطلبانه سلاح‌های خود را تحویل دهند. در سرزمینی که در آن خستگی از جنگ به وضوح به چشم می‌خورد و تمامی قدرت مالی خود را از دست داده است و در وضعیت بحرانی به سر می‌برد، دیگر جنگیدن چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ پس در مرحله نخست باید مردم را نسبت به مزایای برقراری ایستگاه‌های رادیویی در جای‌جای کشور و دریافت رادیو برای استفاده از برنامه‌های آن متقاعد کرد.

مردم این طرح را باور دارند و خواهان جمع‌آوری سلاح‌های غیرقانونی در سرزمین خود هستند و حاضرند در این طرح مشارکت کنند. بدین منظور رهبران سنتی قبایل گرد هم می‌آیند تا در اقدامی مشترک و به‌طور همزمان نسبت به جمع‌آوری سلاح اقدام و در صورتی که هر یک از قبایل از تحویل داوطلبانه سلاح‌های خود خودداری ورزند، نام آنها را افشا کنند؛ زیرا بنا به نظر ایشان هنگام آن رسیده است تا مردم نیجر در صلح و



آرامش زندگی کنند.

با اجرای طرح صدای رادیو از چادر بسیاری از صحرائشینان در نقاط مختلف نیجر به گوش می‌رسید. با استقرار ایستگاه‌های رادیویی و پخش برنامه به زبان محلی مردم می‌توانند به‌صورت مرتب به اخبار گوش دهند و با آگاهی از وضعیت جوی آمادگی خود را در برابر پدیده‌هایی چون: خشکسالی، میزان پراکندگی نزولات جوی یا وقوع طوفان شن حفظ کنند. با استفاده از اطلاعاتی که رادیو اکنون در اختیار صحرائشینان قرار می‌دهد آنها قادرند در قیاس با گذشته با سرعت بیشتری خود را در مواجهه با رخداد‌های طبیعی آماده نگه دارند. تا پیش از اجرای این طرح برای پخش اخبار و اطلاعات در میان چادرنشینان صحرا معمولاً یک نفر در میان این قبایل تردد و اخبار را میان چادرنشینان پخش می‌کرد و برای رساندن خبر میان چادرنشینان پراکنده در صحرا هفته‌ها وقت لازم بود. اما اکنون از طریق ایستگاه‌های رادیویی محلی و توزیع گیرنده‌های رادیویی در میان صحرائشینان تمامی آنها که در پراکندگی‌های گوناگون در صحرا به‌سر می‌برند تنها در عرض چند دقیقه از اخبار و اطلاعات مطلع می‌شوند و آگاهی از مزایای این طرح آن را هرچه بیشتر وسوسه می‌کند.

یکی از چادرنشینان نظر خود را اینگونه بیان می‌دارد: «تا آنجایی که به من مربوط می‌شود خود من خواهان دسترسی به اطلاعات و اخبار هستم تا اینکه سلاح داشته باشم. هنگام وقوع یک حادثه یا یک شورش و آغاز درگیری داشتن سلاح کمکی به شما نمی‌کند، اما اگر شما به‌موقع از وقایع اطلاع حاصل کنید، می‌توانید به‌موقع خود را برای مواجهه با آن آماده کنید. پس برای من در ابتدا دسترسی به اطلاعات اهمیت دارد و بعد داشتن سلاح.

در روز مقرر برای جمع‌آوری سلاح با حضور نیروهای انتظامی، خانم پرسون شاهد حضور بسیاری از جنگجویان

قبایل است و رهبران سنتی قبایل برای نشان‌دادن موافقت خود به طرح جمع‌آوری سلاح از میان افراد قبیله، شخصاً سلاح خود را تحویل نیروهای ارتش می‌دهند. سلاح‌های جمع‌آوری‌شده به انبار و سپس برای انهدام به منطقه مورد نظر حمل می‌شوند. با تحویل هر قبضه سلاح یک رادیوی قابل حمل به جنگجویان تحویل داده می‌شود. بخشی از این چادرنشینان خصوصاً افراد میان‌سال در میان آنها مایل به یک‌جانشینی و بهره‌مندی از مزایای رادیو هستند.

پیش از آغاز عملیات انهدام و نابودی سلاح‌های جمع‌آوری‌شده خبر مربوط به آن از رادیو پخش می‌شود. قرار است انهدام سلاح‌های جمع‌آوری‌شده به مرحله اجرا درآید. خانم پرسون با خود رادیوهای قابل حمل را برای توزیع میان جمعیت آورده است. سلاح‌ها پس از تکه‌تکه‌شدن به آتش کشیده می‌شوند و مردم نیجر این روز را روز خوبی برای کشور نیجر می‌دانند؛ از آنجایی که یک ملت صلح‌دوست می‌تواند آینده‌ای برای خود متصور باشد.

خانم پرسون از این روز به‌عنوان یک روز هیجان‌انگیز یاد می‌کند؛ روزی که پس از ماه‌ها برنامه‌ریزی ناظر اجرای موفقیت‌آمیز طرح است؛ طرحی که هدف آن جمع‌آوری سلاح‌ها در میان مردم و انهدام آنها بوده است؛ به‌گونه‌ای که دیگر امکان استفاده از آنها برای افراد میسر نباشد و اکنون شاهد تحقق آن در نیجر هستیم.

پرسون از اجرای این طرح در نیجر به‌عنوان یک تجربه یاد می‌کند و امیدوار است که این طرح الگویی برای استقرار صلح و ثبات سیاسی قابل‌اجرا در سایر مناطق آشوب‌زده و درگیر جنگ در قاره آفریقا باشد. او می‌گوید: «دوست داشتم در عوض قطعه‌قطعه کردن و به‌آتش کشیدن سلاح‌ها، از آنها در ساخت وسایل چون دوچرخه یا در تولید آثار هنری استفاده می‌شد. با در نظر گرفتن سنت دیرینه هنرهای دستی در نیجر می‌توانستیم شاهد خلق آثار هنری زیبایی از باقی‌مانده

قطعات سلاح‌ها باشیم. در این کشور فقیر و جنگ‌زده تنها وسیله مدرنی که مردم به آن دسترسی داشتند سلاح‌هایشان بود و اکنون جایگزینی برای سلاح به آنها پیشنهاد شده است.»

خانم پرسون به هنگام شنیدن اخبار و برنامه‌ها از رادیوی محلی **آگادس** (Agadez) بیش از پیش درست‌بودن صرف وقت و هزینه فراوان برای اجرای این طرح را تأیید می‌کند. و باز صدای گوینده رادیو به هنگام پخش خبر به گوش می‌رسد: «و اینک نام افراد داوطلب در اجرای طرح مایه‌کوبی...».